

تأثیر آموزش مبتنی بر روش حل مسئله بر سبک‌های فرزندپروری والدین نوجوانان *Efficacy of Parenting Training based on Problem- Solving in a sample of teens parents*

Mohsen Shokoohi- Yakta

Assistant Prof., Dept. of Psychology & Education of
Exceptional Children, University of Shahid Beheshti,
Tehran, Iran

Saeed Akbari Zardkhaneh (Corresponding author)

Assistant Professor, Shahid Beheshti University,
Department of Educational & Developmental Psychology,
Tehran, Iran Email: akbari76ir@yahoo.com

Mohammad Seyyidhasan Tehrani

Ph.D. student in Counseling, Kermanshah Branch, Islamic
Azad University, Kermanshah, Iran

محسن شکوهی یکتا

استاد دانشگاه تهران، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، تهران، ایران

سعید اکبری زردخانه (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و تحولی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

akbari76ir@yahoo.com

محمد سید حسن طهرانی

دانشجوی دکتری مشاوره، احد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

هدف: بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله به والدین نوجوانان بر شیوه‌های فرزندپروری است. **روش:** مطالعه شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی و انتخاب گروه نمونه با روش دردسترس شامل ۲۹ نفر از مادران بود. مادران در کارگاه آموزشی تربیت نوجوان اندیشمند مبتنی بر آموزش حل مسئله، در قالب ۱۰ جلسه ۲ ساعته، شرکت نموده و در جلسه اول و آخر، پرسشنامه‌های مقیاس فرزندپروری آرنولد و روش‌های تربیتی- نسخه نوجوان را تکمیل کردند. **یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد شرکت در کارگاه آموزشی منجر به افزایش میانگین بهره‌گیری روش تعامل با نوجوانان به روش حل مسئله و کاهش میانگین استفاده از سایر شیوه‌های تعاملی شامل تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح و پیشنهاد همراه با توضیح شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از پرسشنامه فرزندپروری نیز نشان از کاهش میانگین خرده‌مقیاس اهمال-کاری، واکنش افراطی و پرگویی داشت. این آموزش می‌تواند موجب افزایش به‌کارگیری روش تربیتی مبتنی بر حل مسئله و اصلاح روش‌های فرزندپروری مادران گردد.

Abstract

Aim of the present research was to evaluate the efficacy of problem solving workshops designed for parents of teens.

Method: The sample included 29 mothers of students in private schools. These mothers were instructed by skillful instructors in a workshop lasted ten sessions, two hours each. The present study utilized a pseudo- experimental method with one group pre- posttest design. Two scales included Parenting Method Scale and Arnold's Parenting Scale was used before and after the workshops. **Results** indicated that workshops had positive effects on subject's performance in "problem solving" and decreasing laxness, over reactivity and verbosity. **Conclusions:** problem solving training of teen's parents can increase the use of suitable parenting strategies.

Keywords: parent education, parenting style, mother-child relationship

کلید واژه‌ها: آموزش والدین، روش‌های تربیتی، ارتباط مادر- فرزند

مقدمه

تغییرات روانی و جسمانی دوران نوجوانی به حدی است (رومئو^۲، ۲۰۱۳؛ کیسی و کادل^۳، ۲۰۱۳) که برخی آن را بی‌همتاترین دوران در زندگی دانسته‌اند (آرنت^۴، ۲۰۰۰). تأثیرپذیری از همسالان (میلنر^۵، ۲۰۱۳) و نافرمانی نسبت به والدین می‌تواند تبدیل‌کننده این دوران به بزرگترین چالش برای خانواده‌ها باشد (کانرز، ادواردز و گرنٹ^۶، ۲۰۰۷). در عین حال تجربه‌های نوجوان با والدین یا به تعبیر دیگر روش‌های تربیتی و فرزندپروری^۷ والدین، نقش بسیار مهمی در تحول آنها دارد (اسلان^۸، ۲۰۱۱؛ بوگن اشنایدنر و پالوک^۹، ۲۰۰۸؛ گالارین و آلونسو^{۱۰}، ۲۰۱۲). نوجوانی دوره گذر از روابط وابسته به پدر و مادر به زندگی مستقل است. نظام فرزندپروری، یا همان تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان (بامریند^{۱۱}، ۱۹۹۱) می‌تواند نقش وحدت‌بخشی را در کمک به نوجوان برای رویارویی با این چالش ایفا کند (دنیل، جنیفر و برنت^{۱۲}، ۲۰۱۰).

پژوهش‌ها حاکی از تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر کیفیت عملکرد تحصیلی نوجوانان، سازگاری و روابط آنان با همسالان (مکوبی^{۱۳}، ۱۹۸۴)، شایستگی و سازش‌یافتگی آن‌ها در مدرسه (استین‌برگ، لامبورن، دارلینگ، مانتر و دورنباش^{۱۴}، ۱۹۹۴)، خلاقیت (میلر، لامبرت و نئومیستر^{۱۵}، ۲۰۱۲)، پایداری (پلیتیر، فورتیر، والراند و بریر^{۱۶}، ۲۰۰۱) و حرمت خود (ریان، استیلر و لینچ^{۱۷}، ۱۹۹۴؛ هیون و کیاروچی^{۱۸}، ۲۰۰۸؛ مک کلر، تانسکی، کینگزبری، جراد و سارجنت^{۱۹}، ۲۰۱۲) است. از طرف دیگر چگونگی عملکرد والدین در ارتباط با فرزندان، بر میزان بهنجاری و یا نابهنجاری روان شناختی آنان از جمله احتمال وقوع اختلال شخصیت ضداجتماعی و احتمال وقوع جرم (هوئی، یوکنین، ژائوری و باهوآ^{۲۰}، ۲۰۱۱)، احتمال سوء مصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر (توماس و کارولین^{۲۱}، ۲۰۱۲؛ آمیلیا^{۲۲}، ۲۰۱۲؛ کاساندرای، استفان، هافمن و هارمونی^{۲۳}، ۲۰۰۴؛ شمسی میمندی، ضیاء‌الدینی و شریفی یزدی، ۱۳۸۷) تأثیرگذار است. از میان شیوه‌های مختلف فرزندپروری، شیوه مقتدرانه^{۲۴} با پیشرفت تحصیلی و علاقه به مدرسه، رابطه مستقیم دارد؛ در حالی که شیوه مستبدانه^{۲۵}، سهل‌گیرانه^{۲۶} و مسامحه‌کارانه^{۲۷} رابطه معکوس با آن دارد (دورنباش، ریتنر، لیدرمن، رابرتز

2. Romeo

3. Casey & Caudle

4. Arnet

5. Milner

6. Connors, Edwards & Grant

7. Parenting

8. Aslan

9. Bogenschneider & Pallock

10. Gallarin & Alonso

11. Boumrind

12. Danielle, Jennifer, & Brent

13. Maccoby

14. Steinberg, Lamborn, Darling, Mounts & Dornbusch

15. Miller, Lambert, & Neumeister

16. Pelletier, Fortier, Vallerand & Briere

17. Ryan, Stiller, & Lynch

18. Heaven & Ciarrochi

19. McClure, Tanski, Kingsbury, Gerrad & Sargent

20. Hui, Yueqin, Zhaorui, & Baohua

21. Thomas & Caroline

22. Emilia

23. Cassandra, Stephen, Hoffman & Harmony

24. Authoritative

25. Authoritarian

و فرالی^{۲۸}، ۱۹۸۷؛ لامبورن، مانترز، آستین برگ و دورنباش^{۲۹}، ۱۹۹۱؛ آستین برگ، فلچر و دارلینگ^{۳۰}، ۱۹۹۴b؛ بوجنتال و گروسک^{۳۱}، ۲۰۰۶). همچنین کودکان والدین مقتدر، بدون توجه به سن، مشکلات کمتری دارند و سازگاری عاطفی بهتری نسبت به سایر کودکان نشان می‌دهند (آبار، کارتر و وینسلر^{۳۲}، ۲۰۰۹). داشتن پدر و مادری مقتدر بهترین نتیجه را برای فرزندان و کمترین گرایش به استفاده از مواد مخدر را به دنبال دارد (سیفی گندمانی، صفاری نیا، کلانتری میدی، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت فرزندپروری و نقش آن در بهداشت روانی خانواده‌ها و پیشگیری از بروز مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان و نوجوانان، ارائه برنامه‌های مدون آموزش خانواده امری ضروری به نظر می‌رسد. با مداخله در شیوه‌های فرزندپروری در قالب آموزش والدین، می‌توان مهارت‌های والدینی و تعامل‌های والد - کودک را ارتقاء بخشید (سندرز، بور و موراسک^{۳۳}، ۲۰۰۷). به این ترتیب مداخله در شیوه‌های فرزندپروری، توانایی والدین را در درک افکار، احساسات و رفتارهای خود افزایش می‌دهد و بر روند تغییر خود و فرزندان‌شان، همچنین رابطه با آنان و دیگر اعضای خانواده اثر مثبتی می‌گذارد (لواک، مک می، مرکا و ردون دی آرسی^{۳۴}، ۲۰۰۸) و در نهایت می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری فرزندان مؤثر باشد (مک دونالد، دادسون، رزنفیلد و جریلز^{۳۵}، ۲۰۱۱).

آنچه مهم به نظر می‌رسد محتوای آموزش خانواده است. یکی از روش‌های آموزش خانواده، روش مبتنی بر حل مسئله است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. نزو و شیدی (۱۹۹۰ به نقل از الیوت و استفان، ۱۹۹۵) معتقدند که آموزش و اجرای مهارت‌های حل مسئله موجب خط مشی هدفمندانه خاصی می‌شود که افراد از طریق آن مسئله را تعریف کرده، راه‌حل‌های مختلف را تولید نموده و تصمیم می‌گیرند که بهترین راه‌حل را انتخاب کنند. والدین در تعامل با نوجوان ممکن است از روش‌های ناکارآمدی چون رفتار آمرانه توأم با تنبیه و توبیخ و محرومیت و یا ارائه توصیه بدون دلیل و توضیح روشن و یا پیشنهاد همراه با توضیح استفاده کنند، اما بهترین روش آموزش افراد برای مواجهه کارآمدتر با مسائل‌شان، روش حل مسئله است (شور و دیجرونیمو^{۳۶}، ۲۰۰۱) که در طبقه آموزش‌های شناختی و رفتاری قرار می‌گیرد (شکوهی یکتا و پرنده، ۱۳۸۷؛ مایر^{۳۷}، ۱۹۸۳). در این روش والدین می‌آموزند به جای فکر کردن و تصمیم گرفتن برای فرزندشان، آن‌ها را برای فکر کردن هدایت کنند. به نظر می‌رسد آموزش روش حل مسئله به والدین برای بکارگیری آن در تعامل با فرزندان خود در مقایسه با سایر روش‌ها از کارکردهای ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در این روش علاوه بر واداشتن نوجوان به تفکر، احساسات او نیز از طریق به کارگیری زبان مشترک مورد توجه قرار می‌گیرد و این خود در حل تعارضات یک قدم بسیار مهم است (شور و دیجرونیمو، ۲۰۰۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که اعضای آن به گونه مستمر از شیوه‌های کارآمد حل مسئله استفاده می‌کنند، استعداد‌های افراد در سطح بهینه‌ای پرورش می‌یابد (دزوریلا و گلدفرید^{۳۸}، ۱۹۷۱؛ هافمن^{۳۹}، ۲۰۱۰ و تالمن^{۴۰}، ۱۹۶۵). همچنین نتایج مطالعات

26. Permissive

27. Neglectful

28. Dornbusch, Ritter, Leiderman, Roberts & Fraleigh

29. Lamborn, Mants, Steinberg & Dornbusch

30. Steinberg, Fletcher & Darling

31. Bugental & Grusec

32. Abar, Carter & Winsler

33. Sanders, Bor, & Morawsk

34. Levac, McMAY, Merka & Reddon-D'Arcy

35. McDonald, Dodson, Rosenfield & Jouriles

36. Shure & Digeronimo

37. Mayer,R

38. D.Zurilla & Goldfreid

39. Hoffman

40. Tollmann

دیگر نشان از تأثیر آموزش روش حل مسئله بر کاهش تعارض والد-نوجوان (رابین و فوستر^{۴۱}، ۱۹۸۶)، بهبود تعامل خانوادگی و ارتقای سطح سلامت روان اعضای خانواده (بارکلی^{۴۲}، ۲۰۰۰) دارد. با توجه به مشاهده اثربخشی آموزش والدین کودکان، حال سؤال این است که آیا آموزش والدین نوجوانان نیز برای بهره‌گیری از روش حل مسئله در تعامل با فرزندانشان، می‌تواند در ارتقای روش‌های فرزندپروری آنان مؤثر باشد. این موضوع وقتی حساس‌تر به نظر می‌رسد که از طرفی پیچیدگی‌های رفتاری و روانی نوجوان زیاد است و از طرف دیگر والدین نیز در دامنه سنی بالاتری نسبت به قبل قرار دارند و علیرغم داشتن تجربه بیشتر در فرزندپروری، ممکن است یادگیری مناسب صورت نگرفته (رضایی، ۱۳۹۰؛ کلب و کلب^{۴۳}، ۲۰۰۵؛ دنی و پالم^{۴۴}، ۱۹۸۱ به نقل از رایس^{۴۵}، ۲۰۰۱) و در نتیجه تغییر سبک‌های فرزندپروری در آنان به شکل مطلوب اتفاق نیافتد. پیامبر اسلام می‌فرماید: کسی که در کودکی و سنین جوانی چیزی را یاد بگیرد، مانند نوشته روی سنگ، دانش او ثابت و راسخ می‌ماند، و کسی که در سن پیری چیزی را یاد گیرد، دانش او مانند نوشته روی آب ثباتی ندارد^{۴۶}. این موضوع می‌تواند بیانگر کم شدن قابلیت یادگیری و اثرپذیری انسان با افزایش سن باشد. از سوی دیگر بایستی ذکر شود آن چه پژوهش حاضر را متفاوت از پژوهش‌های دیگر در این زمینه می‌نماید این است که بسیاری از آموزش‌های طراحی شده قبلی، ویژه والدین کودکان سنین پایین‌تر بوده و نتایج قابل قبولی نیز به دنبال داشته است (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷؛ شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرند و پوران، ۱۳۹۱)، اما برنامه مبتنی بر روش حل مسئله ویژه والدین فرزندان در سنین نوجوانی وجود نداشته است؛ که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. با توجه به ویژگی‌های سن نوجوانی، پیچیدگی‌های آن و تفاوت در اقتضائات آن نسبت به دوران کودکی از یک سو و تثبیت احتمالی سبک‌های ناکارآمد والدین در تعامل با نوجوان از سوی دیگر، لازم است مداخلاتی در نحوه تعامل والدین با آنها و آموزش شیوه‌های کارآمدتر در این باره صورت پذیرد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، مطالعه پیامدهای حاصل از اجرای کارگاه‌های آموزش والدین دارای فرزند نوجوان با استفاده از روش حل مسئله و میزان تغییر در سبک‌های تربیتی و فرزندپروری آنان است.

روش

مطالعه حاضر از نوع شبه‌آزمایشی^{۴۷} با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی^{۴۸} بوده و نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شده است. گروه نمونه شامل ۲۹ نفر از مادران دانش‌آموزان سنین پیش‌نوجوانی در مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بوده است. والدین در پی فراخوانی بوسیله مسئولان مدرسه در زمینه شرکت در کارگاه آموزشی با عنوان تربیت نوجوان اندیشمند، اعلام آمادگی نمودند. این افراد در یک جلسه توجیهی که مسئولان کارگاه‌ها برگزار کردند و در آن اهداف، نحوه برگزاری و خلاصه‌ای از عناوین کارگاه‌ها معرفی شد، شرکت کردند و در نهایت از والدینی که برای شرکت در کارگاه‌ها تمایل داشتند ثبت نام به عمل آمد. کارگاه‌ها هفته‌ای یک بار در ۱۰ جلسه ۲ ساعته برگزار شدند. در طی هر کارگاه مدرسین مجرب و آموزش‌دیده به آموزش والدین و حل مشکلات احتمالی ایشان در انجام تمرین‌ها در ارتباط با نوجوانان می‌پرداختند. قبل از شروع و بعد از اتمام هر کارگاه، والدین پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل کرده‌اند.

41. Robin & Foster

42. Barkley

43. Kolb

44. Denny & palmer

45. Rice

46. من تعلم فی شبابه کان بمنزلة الرسم فی الحجر ومن تعلم وهو کبیر کان بمنزلة الكتاب علی وجه الماء (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۲)

47. pseudo- experimental

48. one group pre- posttest design

ابزار

مقیاس روش‌های تربیتی - نسخه نوجوان: این مقیاس نسخه بازنگری شده مقیاس روش‌های تربیتی است که به وسیله شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۶) و با توجه به کتاب تمرین تربیت کودک اندیشمند (شور، ۲۰۰۰) تهیه و تدوین شده است. این مقیاس مشتمل بر ۱۰ موقعیت است که در هر موقعیت نحوه برخورد معلمان با رفتارهای چالش‌برانگیز نوجوانان بررسی می‌شود. پاسخ‌دهی بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (همیشه=۴ و هیچ‌وقت=۰) است که هر گزینه در واقع یکی از روش‌های چهارگانه تعامل والدین با نوجوان (تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح، پیشنهاد همراه با توضیح و روش حل مسئله) را در موقعیت مورد نظر مطرح می‌کند. نمره هر خرده مقیاس میانگین نمرات گویه‌های مربوط به هر نحوه تعامل است. نمره بالا در هر روش تعامل نشانگر استفاده بیشتر از آن روش در تعامل با کودک است. قابلیت اعتماد پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمده است.

مقیاس فرزندپروری آرنولد: مقیاس فرزندپروری آرنولد^{۴۹} ابزاری ۳۰ آیتمی است که توسط آرنولد، اولیری، ولف و آکر^{۵۰} (۱۹۹۳) ساخته شده است. این پرسش‌نامه سه الگوی انضباطی ناکارآمد والدین را می‌سنجد که عبارتند از: اهمال‌کاری^{۵۱}، واکنش افراطی^{۵۲} و پرگویی^{۵۳}. در این مقیاس منظور از اهمال‌کاری، شیوه تربیتی سهل‌انگارانه؛ منظور از واکنش افراطی، شیوه تربیتی مستبدانه توأم با ابراز خشم، پرخاشگری و عدم ابراز مهر و محبت و منظور از پرگویی، توضیح‌های بیش از اندازه طولانی و یا تکیه بیش از حد بر حرف‌زدن با کودک است (ساندرز، ترنر و مارکیداس^{۵۴}، ۲۰۰۲). پاسخ‌گویی به آیتم‌های مقیاس در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای (همیشه نمره ۵، بیشتر اوقات ۴، گاهی اوقات ۳، به ندرت ۲ و هرگز ۱) صورت می‌گیرد. نمره بالاتر در هر یک از عوامل، بیانگر فرزندپروری ناکارآمدتر است. روادز^{۵۵} و اولیری (۲۰۰۷) با بررسی ساختار عاملی و روائی این مقیاس نشان دادند که ساختار عاملی نظری مفروض برای این ابزار هم در گروه پدران و گروه مادران مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین روائی ملاکی این ابزار نیز در این گروه‌ها مناسب گزارش شده است. این مقیاس از همسانی درونی مناسب برای نمره کل ($\alpha=0/84$) و مقیاس‌های اهمال-کاری ($\alpha=0/83$)، واکنش افراطی ($\alpha=0/82$) و پرگویی ($\alpha=0/63$) برخوردار است. قابلیت اعتماد با روش بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۷۹، اهمال‌کاری ۰/۸۲، واکنش افراطی ۰/۸۳ و پرگویی ۰/۸۴ می‌باشد.

برنامه مداخله و روش اجرا

کارگاه تربیت نوجوان اندیشمند (شور، ۲۰۰۱) برای والدین فرزندان که در دوره پیش‌نوجوانی هستند، طراحی شده است. هدف نهایی کارگاه، افزایش توانمندی والدین در مواجهه با مسائل روزمره خانواده از طریق به کارگیری مهارت‌های حل مسئله در تربیت فرزندان است. کارگاه‌ها در ۱۰ جلسه به صورت یک جلسه دو ساعته در هفته برگزار می‌شود. در هر جلسه والدین به صورت گام به گام با روش‌های کارآمد و ناکارآمد برخورد با کودکان آشنا می‌شوند. والدین با استفاده از کتاب تمرینی که به آنها داده می‌شود، روش حل مسئله را در موقعیت‌های فرضی با کودک تمرین می‌کنند. در این کتاب تمرین‌هایی طراحی شده است که جنبه بازی و تفریح داشته و برای کودکان لذت بخش است. لذا فعالیت‌ها به صورت بازی یا نقاشی به کودک ارائه می‌شوند. همچنین تکالیف با استفاده از موقعیت‌های آشنا که کودک و والدین معمولاً با آنها در تماس هستند (برای مثال هنگام غذا پختن در آشپزخانه، در مهمانی

49. Arnold's Parenting Scale

50. O'Leary, Wolff, & Acker

51. laxness

52. over reactivity

53. verbosity

54. Sanders, Turner & Markie-Dadds

55. Rhoades

و هنگام تماشای تلویزیون) و در مکان‌های مختلف خانه طراحی شده‌اند. این برنامه برای استفاده در گروه‌های مادران دارای فرزند نوجوان مورد بازبینی قرار گرفته و موقعیت‌های آن متناسب با سن فرزندان شده است.

در ابتدا، والدین با چهار شیوه تعامل با نوجوان که در کارگاه به نام چهار پله رفتار تعریف شده‌است، آشنا می‌شوند. در پله اول، رفتارهای توأم با تنبیه و توبیخ قرار دارد و والدین با لحن دستوری از نوجوان می‌خواهند که کاری را انجام دهد. برای مثال زمانی که مادر به او می‌گوید: «تو پسر نامرتبی هستی، وسالت را از اینجا جمع کن». او در پله اول رفتار با نوجوان قرار دارد. در پله دوم، توصیه بدون هیچ توضیحی داده می‌شود، در واقع به این معنی که کاری را انجام بده چون من آن را از تو می‌خواهم. در پله سوم، والدین پیشنهادها را همراه با توضیحاتی ارائه می‌دهند. این توضیحات می‌تواند درباره پیامد کار یا توجه به احساس فرد مقابل باشد. برای مثال «اگر تکالیف را انجام ندهی فردا در کلاس و جلوی همکلاسی‌هایت احساس خجالت خواهی داشت» یا «اگر تکالیف را انجام ندهی ممکن است خانم معلم از تو ناراحت شود». پله نهمی شامل کارآمدترین روش تربیتی است که با سؤال کردن، نوجوان را به تفکر وامی‌دارد. در حین تمرین‌های این مرحله، نوجوانان با کلماتی آشنا می‌شوند که کلمات حل مسئله نامیده می‌شوند و بر سه پایه اساسی درک احساسات، یافتن راه‌حل‌های جایگزین و توجه به پیامدهای رفتار استوار است. تکیه بر این کلمات بر این اساس است که داشتن زبان مشترک یک قدم بسیار مهم در حل یک تعارض یا مشکل است (شور و دیجرومینو، ۲۰۰۱). از کلمات حل مسئله می‌توان هست / نیست، حالا / بعداً، مشابه / متفاوت را نام برد که در راستای آن نوجوان یاد می‌گیرد که چه چیزی برای چه کاری مناسب هست / نیست، یا اینکه زمان مناسب برای هر چیز متفاوت است. بعد از اینکه این کلمات در موقعیت‌های معمول روزمره با نوجوان تمرین شدند، والدین در تعامل با نوجوان به پله چهارم می‌رسند. کتاب تمرین این کارگاه آموزشی در برگرفته تمرین‌هایی است که والدین و نوجوانان آن را انجام می‌دهند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاصل از ابزارهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۱ ارائه شده است. یافته‌های توصیفی حاصل از گروه نمونه نشان می‌دهد که میانگین خرده‌مقیاس‌های تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح و پیشنهاد همراه با توضیح مربوط به روش‌های تربیتی در مرحله پس‌آزمون کاهش یافته است. در حالی که میانگین خرده‌مقیاس حل مساله افزایش نشان می‌دهد. همچنین میانگین خرده‌مقیاس‌های مقیاس فرزندپروری آرنولد در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون کاهش یافته و به وضعیت مطلوب نزدیک‌تر شده است.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی نمره‌های خرده‌مقیاس‌های روش‌های تربیتی و فرزندپروری آرنولد در مراحل پیش و پس‌آزمون

مقیاس	خرده‌مقیاس	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
روش‌های تربیتی	روش حل مسئله	۳۲/۰۹	۷/۲۶	۳۹/۲۰	۴/۳۴
	پیشنهاد همراه با توضیح	۳۰/۰۶	۴/۸۹	۲۴/۶۹	۶/۶۴
	توصیه بدون توضیح	۳۶/۵۳	۷/۴۶	۲۹/۹۸	۷/۴۳
	تنبیه و توبیخ	۱۵/۹۴	۴/۳۰	۱۲/۸۴	۳/۵۵
فرزندپروری آرنولد	اهمال‌کاری	۳۴/۱۷	۳/۲۸	۳۱/۲۷	۴/۵۳
	واکنش افراطی	۲۵/۷۳	۴/۰۷	۲۳/۵۸	۳/۴۵
	پرگویی	۲۴/۰۹	۳/۲۷	۲۲/۲۴	۳/۰۶

به دلیل آنکه ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر مقوله‌های متفاوت از هم را ارزیابی می‌کنند و هر یک از دو یا چند خرده‌مقیاس تشکیل شده‌اند؛ از دو تحلیل واریانس چند متغیری^{۵۶} با طرح اندازه‌گیری‌های مکرر^{۵۷} برای آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت در بین

⁵⁶. Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)

میانگین‌های نمره‌های خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش و پس‌آزمون استفاده شد. نتایج حاصل از داده‌های مقیاس روش‌های تربیتی (با چهار خرده‌مقیاس) نشان داد نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری از هم دارند ($\eta^2 = 0/73$ و $p < 0/05$ و $df = (4 \text{ و } 25)$ و $F = 16/55$ و $W = 0/27$). بررسی نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها^{۵۸} نشان داد نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در کلیه خرده‌مقیاس‌ها تفاوت معناداری ($p < 0/05$) دارند (جدول ۲). مقایسه اثربخشی آموزش ارائه‌شده براساس شاخص مربع ای‌تای سهمی در خرده‌مقیاس‌های سبک‌های تربیتی نشان می‌دهد بالاترین اندازه اثر آن مربوط به خرده‌مقیاس حل مسئله بوده است.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی میانگین خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه روش‌های تربیتی

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ای‌تای سهمی
روش حل مسئله	۷۳۴/۶۷	۱	۳۲/۴۴	۰/۰۰۵	۰/۵۴
پیشنهاد همراه با توضیح	۴۱۷/۸۴	۱	۲۹/۵۷	۰/۰۰۵	۰/۵۱
توصیه بدون توضیح	۶۲۳/۱۲	۱	۱۷/۹۱	۰/۰۰۵	۰/۳۹
تنبيه و توبيخ	۱۳۸/۸۱	۱	۲۲/۱۲	۰/۰۰۵	۰/۴۴

انجام تحلیل واریانس چند متغیری با طرح اندازه‌گیری‌های مکرر بر روی داده‌های مقیاس فرزندپروری (با سه خرده‌مقیاس) نیز نشان داد نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری از هم دارند ($\eta^2 = 0/44$ و $p < 0/001$ و $df = (3 \text{ و } 26)$ و $F = 6/79$ و $W = 0/56$). بررسی نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها هم نشان داد که در بین این دو مرحله میانگین خرده‌مقیاس‌های اهمال‌کاری، واکنش افراطی و پرگویی تفاوت معناداری در سطح $p < 0/05$ دارند (جدول ۳). مقایسه اثربخشی آموزش ارائه‌شده براساس شاخص مربع ای‌تای سهمی مربوط به خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد اندازه اثر خرده‌مقیاس اهمال‌کاری بیشتر از دو خرده‌مقیاس دیگر و برابر با $0/33$ است.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی میانگین خرده‌مقیاس‌های فرزندپروری آرنولد

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ای‌تای سهمی
اهمال‌کاری	۱۲۱/۶۸	۱	۱۳/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۳۳
واکنش افراطی	۶۶/۷۴	۱	۹/۳۸	۰/۰۰۵	۰/۲۵
پرگویی	۴۴/۵۱	۱	۶/۱۸	۰/۰۲	۰/۱۸

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش حل مسئله در سبک‌های تربیتی و فرزند پروری والدین در تعامل با نوجوانان صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش حاضر نشانگر این است که شرکت در کارگاه آموزشی منجر به افزایش استفاده از شیوه حل مسئله و کاهش سایر روش‌های تربیتی در والدین نوجوانان شده است. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های کانرز، ادواردز و گرنر (۲۰۰۷)، گراس، گاروی، جولین و فاگ^{۵۹} (۲۰۰۹)، پتال، کوپر و راینسون (۲۰۰۸)، شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و قهوه‌چی (۱۳۹۰)، شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرند و پوران (۱۳۹۱)، حاجی سیدرضی، ازخوش، طهماسیان، بیات و بیگلریان (۱۳۹۱) و شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و فراهینی (۱۳۹۲) همسو است. در پژوهش حاضر در مقایسه اثربخشی آموزش ارائه‌شده بر روی خرده‌مقیاس‌های سبک‌های تربیتی، بالاترین اندازه اثر مربوط به خرده‌مقیاس حل مسئله بوده است. به عبارت دیگر این مداخله توانسته است بیشترین تغییر را در این مؤلفه از مقیاس ایجاد کند که همسو با هدف اصلی پژوهش حاضر است. این نتیجه با مطالعه شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرند و پوران (۱۳۹۱) بر روی مادران کودکان پیش دبستانی و دبستانی همسو است. به نظر می‌رسد این امر

⁵⁷. repeated measure

⁵⁸. between subject effect

⁵⁹ Gross, Garvey, Julion, & fogg

در نتیجه آموزش تعامل با نوجوان از طریق روش حل مسئله به جای روش‌های ناکارآمد دیگر، در جریان کارگاه تربیت نوجوان اندیشمند است. در تمامی الگوهایی که برای حل مسئله در این کارگاه ارائه شده است، مراحل یا مؤلفه‌های شناسایی مسئله، تحلیل مسئله و ارائه راه حل، از مؤلفه‌های اصلی حل مسئله محسوب می‌شوند. هر گاه افراد در یک یا بیش از یک مرحله مشکل داشته باشند، از عهده حل مسائل بر نمی‌آیند (وی میر، لاتین و آگران، ۲۰۰۱). بنابراین در آموزش مهارت‌های حل مسئله به این مراحل توجه شده است.

مهارت حل مسئله، یکی از مهارت‌هایی است که در کاهش تعارض‌ها و مشکلات بین‌فردی و درون‌فردی نقش اساسی دارد (شور، ۲۰۰۰). نتایج مطالعات شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۶) درباره اثربخشی کارگاه تربیت کودک اندیشمند در ایران مؤید تأثیر این روش بر تعامل والدین با کودکان و رفتار آنان بوده است. همچنین پژوهش شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۷) در مورد آموزش روش حل مسئله در قالب کارگاه تربیت نوجوان اندیشمند به مادران دارای فرزند نوجوان و تأثیر آن بر روابط خانوادگی نشان داد که شرکت در چنین کارگاهی به افزایش مشارکت عاطفی افراد خانواده و کمک به حل مسائل یکدیگر می‌انجامد. شور و اسپواک^{۶۱} (۱۹۸۰ و ۱۹۸۲) نیز تأثیر آموزش روش حل مسئله را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که آموزش مهارت‌های شناختی حل مسئله، رفتارهای سازگاری اجتماعی کودکان را بهبود می‌بخشد.

پژوهش‌های مختلف مؤید نقش آموزش والدین در بهبود مهارت‌های فرزندپروری، رابطه میان والدین و فرزندان و کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری فرزندان بوده است. هینمن و رینولدز^{۶۲} (۱۹۹۲) در مطالعه خود دریافتند آموزش والدین به ویژه هنگامی که والدین بتوانند آنچه رافرا گرفته‌اند، فوراً به اجرا درآورند، بر علاقه والدین به نظارت بر فرزندپروری خود و مشارکت فعال در آن می‌افزاید. مولر^{۶۳} (۲۰۰۴) دریافت این آموزش‌ها نظارت و توجه والدین به امور فرزندان را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود که آنان با شیوه‌های مختلف فرزندپروری و نقاط قوت و ضعف آنها آشنا شوند. شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۷) در پژوهش خود دریافتند آموزش حل مسئله می‌تواند سبک فرزندپروری والدین را تغییر دهد. حاجی سید رضی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند برنامه آموزش والدین، بهبود روش‌های فرزندپروری، افزایش بعد کنترل قاطعانه مادران و کاهش مشکلات رفتاری کودکان را به دنبال خواهد داشت.

در پژوهش حاضر نیز مشاهده شد که با اجرای کارگاه تربیت نوجوان اندیشمند برای والدین نوجوانان، تغییرات محسوسی در سبک‌های ناکارآمد فرزندپروری همچون اهمال‌کاری، واکنش افراطی و پرگویی به وجود می‌آید؛ که به نظر می‌رسد این تغییرات ناشی از تغییر نگرش و عملکرد والدین پس از آموزش روش صحیح رفتار با نوجوان باشد. قرار گرفتن والدین در گروه همگن، تبیینی دیگر برای اثربخشی این کارگاه به شمار می‌رود. مقایسه روش‌های عملکرد اعضای گروه، گرفتن بازخورد از سایر اعضا و یادگیری تجارب آنها در اصلاح روش‌های والدینی اثرگذار است. از طرفی فعالیت‌ها و تکالیف مختلف، موجب تعامل و مشارکت فعال والدین و فرزندان می‌گردد. والدین با شرکت در این کارگاه نسبت به سبک تربیتی خود حساس شده و با نظارت بر آن به ارزشیابی سبک تربیتی خود پرداخته، در هر جلسه به آنان فرصت داده می‌شد درباره کار با فرزند خود و موانع و مشکلاتی که با آن مواجه بودند، به بحث و گفتگو بپردازند. روش‌های خود را بازبینی کرده و به اصلاح آن بپردازند. علاوه بر این، وجود کتاب تمرین در این

⁶⁰. Wehmeyer, Lattin, & Agran

⁶¹. Shure & Spivack

⁶². Hinman & Reynolds

⁶³. Moler

آموزش‌ها موجب شد والدین با فرزندان خود تعامل بیشتری داشته و فرزندان آنها نیز به گونه‌ای فعال در فرآیند آموزش مشارکت کنند.

آموزش والدین برای تعامل با نوجوانان به روش حل مسئله، با توجه به ویژگی‌های اختصاصی این دوره رشدی اهمیت بالایی دارد. این ویژگی‌ها در محتوای آموزشی پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است آموزش مهارت‌های تفکر به کودکان و نوجوانان می‌تواند از بروز مشکلات رفتاری در سنین مختلف پیشگیری کند (مک دونالد و همکاران، ۲۰۱۱). مطالعات دیگر نشان می‌دهد نوجوانانی که دارای مشکلات رفتاری و روانی هستند، در مهارت‌های حل مسئله بین فردی مشکل داشته و دارای مهارت‌های مقابله‌ای غیر مؤثر هستند (سادوسکی، ۱۹۹۳؛ د، زوریل و چانگ، ۱۹۹۵). همچنین سایر مطالعات حاکی از ارتباط استفاده از شیوه حل مسئله، با موفقیت‌های تحصیلی نوجوانان (کهرازی، آزادفلاح و اللهیاری، ۱۳۸۲) و توانایی مقابله آنان با علائم افسردگی است (موس و بیلینگز، ۱۹۸۲). با وجود این که تغییر در روش فرزندپروری والدین بر رفتار فرزندان نیز تأثیر مثبت داشته است (سندرز، بور و موراسک، ۲۰۰۷؛ لواک^{۶۴} و همکاران، ۲۰۰۸)، ولی به نظر می‌رسد تغییر در روش‌های والدین چشمگیرتر است؛ چرا که آنها به طور مستقیم آموزش دیده‌اند و تأثیر آموزش روی نوجوانان در واقع به واسطه آموزش روش حل مسئله به والدین و تغییر در سبک‌های فرزندپروری آنها بوده است.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به اجرای کارگاه برای نمونه‌های در دسترس اشاره کرد. این امر تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود خواهد کرد. محدودیت دیگر، عدم به کارگیری گروه گواه به منظور مقایسه آنها با گروه آزمایشی است. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم مطالعه متغیرهای واسطه‌ای مؤثر بر فرزندپروری و نیز عدم امکان مطالعات پیگیرانه است. برای بررسی بیشتر در این زمینه به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که با مطالعه متغیرهای واسطه‌ای و بررسی رابطه آنها با متغیرهای ملاک و پیش‌بین زمینه را برای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای گسترده‌تر فراهم آورند. از آنجا که برخی پژوهش‌ها در خصوص اثربخشی آموزش روش حل مسئله برای فرزندان صورت پذیرفته (کهرازی، آزادفلاح و اللهیاری، ۱۳۸۲؛ هجل، بارت و اوکسمن، ۲۰۰۰)، پیشنهاد می‌گردد میزان اثربخشی اجرای کارگاه‌های آموزشی حل مسئله به صورت همزمان برای والدین و فرزندان و نیز میزان اثربخشی اجرای کارگاه‌های دوره‌ای در مقاطع زمانی مختلف و تعیین میزان اثربخشی آن در مقایسه با اجرای یک مرحله‌ای کارگاه مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- حاجی سید رضی، حمیده؛ ازخوش، منوچهر؛ طهماسبیان، کارینه؛ بیات، مریم و بیگلریان، اکبر (۱۳۹۱). معناداری اثربخشی آموزش کودکان نافرمان بر روش‌های فرزند پروری مادران و مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۳۲، ص ۳۷۳ تا ۳۹۰.
- رایس، ف (۲۰۰۱). *رشد انسان: روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ* (ویرایش چهارم)، ترجمه مهشید فروغان (۱۳۸۸) تهران، ارجمند، ۱۳۸۸.
- رضایی، اکبر (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های یادگیری کلب و سبک‌های یادگیری هانی و مامفورد با سن و عملکرد تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۶، ۱۸، ص ۱ تا ۱۸.
- سیفی گندمانی، محمد یاسین؛ صفاری نیا، مجید و کلانتری میبیدی، سارا (۱۳۹۲). سنخ‌شناسی فرزند پروری خانواده (ترکیب سبک فرزند پروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر گرایش به مواد مخدر در نوجوانان پسر. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷، ۲۵، ص ۱۱ تا ۲۴.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۶). آموزش روش حل مسئله به والدین و تأثیر آن بر رفتار کودکان، *مجله علوم شناختی*، ۶، ۲۲، ص ۱۳۴ تا ۱۵۰.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش شیوه‌های نوین فرزند پروری به والدین، *فصلنامه موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم*، ۲، ۱۳ و ۱۴، ص ۷۰ تا ۹۰.
- شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش روش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴، ۱۳، ص ۵ تا ۱۶.

- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید و فراهینی، ندا (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مدیریت خشم و روش حل مسئله بر شیوه‌های تربیتی، کنترل خشم و اضطراب مریبان پیش دبستانی، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۳، ۲، ص ۵ تا ۲۲.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید و قهوه چی، فهیمه (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش حل مسئله، مدیریت خشم بر سبک‌های تربیتی، پرخاشگری و شادکامی مریبان پیش دبستانی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روانشناسی بالینی، ۱، ۵، ص ۱۱۷ تا ۱۳۷.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید؛ پزند، اکرم و پوران، فاطمه (۱۳۹۱). ارتقاء تعامل والدین و فرزندان با استفاده از آموزش روش‌های نوین فرزندپروری، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲، ۱۰، ص ۱ تا ۱۳.
- شمسی میمندی، منظومه؛ ضیاء‌الدینی، حسن و شریفی یزدی، علیرضا (۱۳۸۷). عوامل مؤثر در گرایش به مصرف مواد مخدر از دیدگاه دانش‌آموزان دبیرستانی کرمان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۴، ۴۹، ص ۸۰-۸۹.
- مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. قم: دار الکتب الإسلامية.
- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.
- Amelia, M. A. (2012). Parental substance use impairment, parenting and substance use disorder risk. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 43(1), 114-122.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *Journal of American Psychology*, 55, 469-480.
- Arnold, D. S., O'Leary, S. G., Wolff, L. S., & Acker, M. M. (1993). The Parenting Scale: A measure of dysfunctional parenting in discipline situations. *Psychological Assessment*, 5, 137-144.
- Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798-1800.
- Barkley, R. A. (2000). The interactions of hyperactive and normal boys with their fathers and mothers. *Journal of Abnormal Psychology*, 11(4), 565-580.
- Baumrind, D. (1991). *Rearing competent children*. In W. Damon (Ed.), *Child development today and self-esteem*. (349-378). San Francisco: Jossey-Bass.
- Bogenschneider, K., & Pallock, L. (2008). Responsiveness in parent-adolescent relationships: Are influences conditional? Does the reporter matter? *Journal of Marriage and Family*, 70 (4), 1015-1029.
- Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). *Socialization processes*. In W. Damon & M. Lerner (Eds. In chife) & N. Eisenberg, (vol. Ed), *Handbook of child psychology: Vol 3. Social, Emotional, Personality Development* (6th ed., pp. 366-428). New York: John wiley and Sons.
- Casey, B. J., & Caudle, K. (2013). The teenage brain self-control. *Current Directions in Psychological Science*, 22 (2), 82-87.
- Cassandra, J. D., Stephen, J. B., Hoffman, P., & Harmony, E. L. (2004). Parenting Practices as Moderators of the Relationship between Peers and Adolescent Marijuana Use. *Journal of Marriage and Family*, 66, 163-178.
- Connors, N. A., Edwards, M. C., & Grant, A. S. (2007). An evaluation of parenting class curriculum for parents of young children: parenting the strong-willed child. *Journal of child family studies*, 16, 321-330.
- D.Zurilla, T. J., & Goldfreid, M. R. (1971). Problem solving and behavior modification. *Journal of Abnormal Psychology*, 78,107-126.
- Danielle, M. L., Jennifer, D. S., & Brent, F. O. (2010). To control or not to control? Parenting behaviors and adolescent online aggression. *Computers in Human Behavior*, 26(6), 1651-1656.
- Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Leiderman, R. H., Roberts, D. F., & Fraleigh, M.J. (1987). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*, 58, 1294-1254.
- Elliot, B. J. & Stephan, E. W. (1995). Self-appraisal, problem-solving ability, affective states, and psychological distress. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*. 42 (5), 105-45.
- Gallarín, M., & Alonso, A. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model. *Journal of Adolescence*, 35(6), 1601-1610.
- Gross, D., Garvey, C., Julion, W. & fogg, L. (2009). Efficacy of Chicago parent Program with Low-Incoming African American and Latino Parents of Young Children. *Prevention Science*, 10, 54-66.
- Heaven, P., & Ciarrochi, J. (2008). Parental styles, gender and development of hope and self-esteem. *European Journal of Personality*, 22 (8), 707-724.

- Hegel, M. T.; Barret, J. E. & Oxman, T. E. (2000). Training therapists in problem-solving treatment of depressive disorders in primary care. *Families System and Health, 18(4)*, 423-35.
- Hinman, L. K., & Reynolds, P. J. (1992). *Family advocacy: The parent professional team*. Philipsburg, PA: Central Intermediate Unit 10. (ERIC Document Reproduction Service No. ED 362711).
- Hoffman, D. B. (2010). Behavioral community psychology: training a community broad to problem solve. *Journal of Applied Behavior Analysis 8(2)*, 157-168.
- Hui, G. C., Yueqin, H., Zhaorui, L., & Baohua, L. (2011). Associations linking parenting styles and offspring personality disorder are moderated by parental personality disorder, evidence from China. *Psychology Research, 189(1)*, 105-109.
- Kolb, A. Y., Kolb, D. A. (2005), *The Kolb Learning Style Inventory – Version 3.1*, 2005. Technical Specifications available at: www.learningformexperience.com.
- Lamborn, S. D., Mants, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development, 62*, 1049-1065.
- Levac, A. M., McMay, E., Merka, P., & Reddon-D'Arcy, M. L. (2008). Exploring parent participating in parent training program for children's aggression: understanding and illuminating mechanisms of change. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing, 21 (2)*, 78-88.
- Maccoby, E. E. (1984). Socialization and developmental change. *Child Development, 55*, 317-328.
- McClure, A. C., Tanski, S. E., Kingsbury, J., Gerrad, M., & Sargent, J. D. (2012). Characteristics associated with low self-esteem among US adolescents. *Academic Pediatrics, 10 (4)*, 238-244.
- McDonald, R. Dodson, M. C., Rosenfield, D. & Jouriles, E. N. (2011). Effects of a Parenting Intervention on Features of Psychopathy in Children. *Journal of abnormal child psychology, 39*, 1013-1023.
- Miller, A., Lambert, A., & Neumeister, K. L. S. (2012). Parenting style, perfectionism, and Creativity in high-ability and high-achieving young adults. *Journal for the Education of the Gifted, 35(4)*, 344-365.
- Milner, M. (2013). Paradoxical inequalities adolescent peer relations in indian secondary school. *Sociology of Education, 86 (3)*, 253-267.
- Moler, M. (2004). *Parent workshop evaluation*. Lewis Center for Education Research.
- Moss, R. H. R., & Billings, A. G. (1982). Conceptualizing and measuring coping resoures and processes. In: Goldberger, L. & Breznitz, S(Ed). *Handbook of stress: Theoretical, and clinical aspects*. A Free Press of Division of McMillan Inc.
- Mayer, R. (1983). *Thinking, problem solving, cognition*. New York: W. H. Freeman and Company.
- Patall, E. A., Cooper, H. & Robinson, J. C. (2008). Parent Involvement in Homework: A Research Synthesis. *Review of Educational Research, 78 (4)*, 1039-1102.
- Pelletier, L., Fortier, M., Vallerand, R., & Briere, N. (2001). Associations among perceived autonomy support, forms of self-regulation, and persistence: A prospective study. *Motivation and Emotion, 25 (4)*, 279-306.
- Rhoades, K. A. & O'Leary, S. G. (2007). Factor Structure and Validity of the Parenting Scale. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 36 (2)*, pp. 137-146.
- Robin, A. L., Foster, S. (1986). A controlled evaluation of problem solving communication training with parent-adolescent conflict. *Journal of Behavior Therapy, 12(5)*, 593-609.
- Romeo, R. (2013). The teenage brain, the stress response and adolescent brain. *Current Directions in Psychological Science, 22 (2)*, 140-145.
- Ryan, R., Stiller, J., & Lynch, J. (1994). Representations of relationships to teachers, parents, and friends as predictors of academic motivation and self-esteem. *Journal of Early Adolescence, 14 (2)*, 226-249.
- Sanders, M. R., Bor, W., & Morawsk, A. (2007). Maintenance of treatment gains: a comparison of enhanced, standard, and self-directed Triple P-Positive Parenting Program. *Journal of Abnormal Child Psychology, 35*, 983-998.
- Sanders, M. R., Turner, K. M. T., & Markie-Dadds, C. (2002). The development and dissemination of the Triple P-Positive Parenting Program: A multilevel, evidence-based system of parenting and family support. *Prevention Science, 3*, 173-189.
- Shure, M. B. (2000). *Raising a thinking child workbook*. U.S.A: Henry Holt and company Inc.
- Shure, M. B. (2001). Raising a Thinking Preteen. *I can problem solve: An interpersonal cognitive problem solving program* (1nd ed.). Champaign, IL: Research Press.
- Shure, M. B., Digeronimo, T. F. (2001). Raising a thinking child workbook: Teaching young children how to resolve everyday conflicts and get along with each others: Book review. *Social Work with Groups, 24(3-4)*, 197-201.

- Shure, M. B., & Spivac, G. (1980,1982). Interpersonal problem solving as a mediator of behavioral adjustment in preschool and kindergarten children. *Journal of Applied Developmental Psychology, 1*, 29-44.
- Steinberg, L., Fletcher, A., & Darling, N. (1994b). Parental monitoring and Peer influences on adolescent substance use. *Pediatrics, 93*, 1-5.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, N. S., Dornbusch, S. M. (1994a). Over – time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development, 65*, 754-770.
- Thomas, J. M., Caroline, J. E. (2012). Fathers entering substance abuse treatment: An examination of substance abuse, trauma symptoms and parenting behaviors. *Journal of Substance Abuse Treatment, 43(3)*, 335-343.
- Tollman, G. A. (1965). Some effects of a brief course in the psychology of adjustment. *Journal of Clinical Psychology, 21(3)*, 322-326.
- Wehmeyer, M., Lattin, D., & Agran, M. (2001). Achieving access to the general curriculum for students with mental retardation: A curriculum decision-making model. *Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities. 36(4)*, 327-342.

